

ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی در انیمیشن؛

مطالعه موردی انیمیشن پسر دلفینی

علی‌اکبر رزمجو^۱، حمیده شعبانی^۲

چکیده

دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یک ابزار کارآمد و قابل انعطاف در سیاست خارجی، زمینه‌ساز ارتقای سطح روابط دولت‌ها و به‌تبع آن افزایش تفاهم میان ملت‌ها و ایجاد صلح و ثبات بین‌المللی است. این ابزار مهم، از طریق گسترش مبادلات فرهنگی-هنری، توسعه همکاری‌های علمی-آموزشی و تعامل میان نخبگان جوامع، آموزش زبان و رفع موانع موجود زبانی، بسترهای مناسب درک متقابل جوامع انسانی از یکدیگر را فراهم می‌آورد. دولت‌ها چه در قالب معاهدات دو یا چندجانبه و چه در اشکال دیگر فعالیت‌های رسمی فرهنگی سعی در معرفی و ارائه شاخص‌های فرهنگی کشور خود می‌کنند و یا تلاش می‌کنند مشخصات هویت فرهنگی خود را بازنمایند. دیپلماسی فرهنگی از طریق انیمیشن، می‌تواند نقشی کلیدی در ارتقای تصویر ایران در سطح جهانی ایفا کند. در همین راستا، این پژوهش به‌بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در انیمیشن پسر دلفینی پرداخته و از روش نشانه‌شناسی رولان بارت برای تحلیل محتوای آن استفاده کرده است. در این پژوهش، هر صحنه به‌عنوان یک واحد تحلیل بررسی شده و مولفه‌های فرهنگی آن شناسایی شده است. در میان این مولفه‌ها به ترتیب، ۲۴ درصد به میراث تاریخی، ۲۲ درصد به میراث فرهنگی، ۱۶ درصد به عناصر جغرافیایی و محیط‌زیستی، ۱۱ درصد به میراث باستانی، ۱۰ درصد به آداب‌ورسوم و سنن ایرانی، ۸ درصد به صنایع‌دستی، ۳ درصد به اساطیر ایرانی و در نهایت، ۲ درصد به موسیقی ایرانی در انیمیشن پسر دلفینی اشاره شده است. با توصیف و تحلیل دقیق این مولفه‌ها، پژوهش نشان می‌دهد که انیمیشن‌ها چگونه می‌توانند ابزار موثری برای تقویت دیپلماسی فرهنگی و ترویج هویت ملی ایران در سطح جهانی باشند.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی، انیمیشن، انیمیشن سینمایی، انیمیشن پسر دلفینی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۴

Doi: 10.22034/imrl.2025.510758.1300

۱. دانشیار گروه علوم ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
aliakbar_razmjoo@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.
hmd.shabani@gmail.com



مقدمه

بشر از دیرباز با رسانه‌ها مواجه بوده و از آن‌ها برای رسیدن به مقاصد خود بهره برده است (دیباچی و رئیس میرزایی، ۱۳۹۰: ۵۰). پیام‌هایی که رسانه‌ها پخش می‌کنند از لحاظ فرهنگی خنثی نیستند و می‌توانند بر افکار، عقاید، ارزش‌ها و به‌طور کلی جهان‌بینی مردم مناطق مختلف با آداب و رسوم متفاوت تاثیر بگذارند (موسوی و حسنائی، ۱۳۹۷: ۸۰). در عصر حاضر دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از موثرترین ابزارهای ارتباط بین‌المللی، نقش قابل‌توجهی در تقویت روابط میان ملت‌ها و ارتقای تصویر ملی ایفا می‌کند. کشورها از تولیدات هنری و رسانه‌ای به‌ویژه انیمیشن (پویانمایی)، به‌عنوان یک زبان جهانی برای انتقال پیام‌های فرهنگی و ارزشی خود بهره می‌برند.

به‌عنوان یک حامل جدید فرهنگ مردمی، انیمیشن در سال‌های اخیر مورد توجه عمیق مردم در کشورهای مختلف قرار گرفته است. در فرایند جهانی‌شدن امروزی، قدرت ملی جوامع و قدرت نرم فرهنگی به تدریج به استاندارد جدید رقابت بین کشورها تبدیل شده‌اند. از منظر ارتباطات بین‌المللی، محصولات انیمیشن نیز از طریق کانال‌های مختلف، با عبور از تفاوت‌های زبان و فرهنگ، در میان گروه‌های مختلف در کشورهای گوناگون محبوب شده و به یک روش مهم تبادل فرهنگی تبدیل شده‌اند (هی،^۱ ۲۰۲۴: ۸۴). دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از ابزارهای تاثیرگذار در روابط بین‌الملل، بر انتقال ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و تقویت تفاهم بین ملت‌ها تمرکز دارد. در این میان، انیمیشن به‌عنوان یکی از هنرهای تصویری محبوب و جذاب، ظرفیت بالایی برای انتقال پیام‌های فرهنگی دارد. انیمیشن به‌دلیل جذابیت بصری، قابلیت روایت داستان‌های پیچیده و دسترسی به گروه‌های سنی مختلف، جایگاه ویژه‌ای در تقویت و گسترش دیپلماسی فرهنگی پیدا کرده است.

در همین راستا، ایران با تکیه بر تاریخ، تمدن و فرهنگ غنی خود در تلاش است تا از طریق ابزارهایی همچون انیمیشن، جایگاه فرهنگی خود را در عرصه بین‌المللی تقویت کند. با توجه به نوع فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، فرایند مدیریت راهبردی باید در سه سطح بین‌المللی، ملی و عملیاتی انجام شود. در سطح ملی باید از ظرفیت‌های فرهنگی سازمان‌ها و موسسات فرهنگی فعال در فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی در داخل کشور استفاده بهینه شود (مصطفوی و قدمی، ۱۳۸۸: ۸۴). این سازمان‌ها و موسسات، باید به‌طور هماهنگ و راهبردی از ظرفیت‌های موجود برای ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی بهره‌برداری



کنند. یکی از این ظرفیت‌ها، شرکت‌های انیمیشن‌سازی هستند که می‌توانند با تولیداتی فاخر و توجه به مولفه‌های فرهنگی در تولیدات‌شان، به‌عنوان پل ارتباطی میان فرهنگ ایران و جوامع خارجی عمل کنند. انیمیشن، به‌عنوان یک رسانه بصری و خلاق، می‌تواند پیام‌های فرهنگی ایران را بدون ایجاد تقابل به مخاطبان جهانی منتقل کند. نبود تولیدات باکیفیت انیمیشنی موجب می‌شود که ایران نتواند به طور موثر در بازارهای جهانی حضور یابد و ارزش‌های خود را ترویج کند. در نتیجه، پیشرفت در این حوزه نه‌تنها به تقویت دیپلماسی فرهنگی کمک می‌کند، بلکه نقش مهمی در بازتعریف جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی ایفا می‌کند.

انیمیشن پسر دلفینی، یکی از انیمیشن‌هایی است که تحلیل مولفه‌های فرهنگی آن می‌تواند به درک بهتر از چگونگی بازتاب فرهنگ ایرانی-اسلامی در آن کمک کند. انیمیشن‌هایی که از داستان‌ها، اسطوره‌ها، موسیقی و هنرهای محلی و ارزش‌های فرهنگی الهام گرفته‌اند، سفیرانی بی‌کلام، اما تاثیرگذار هستند و تصویر مثبتی از فرهنگ و هویت ایرانی در ذهن مخاطبان جهانی ایجاد می‌کنند. این پیام‌ها گاهی به‌وضوح در دیالوگ‌ها یا رفتار شخصیت‌ها نمایش داده می‌شوند و گاهی در لایه‌های زیرین داستان قرار دارند و نیازمند تحلیل و تفسیر هستند. در مجموع، وجود پیام‌های فرهنگی در انیمیشن نه‌تنها یک ارزش افزوده هنری است، بلکه به آن قدرت تاثیرگذاری بیشتری می‌بخشد و آن را از یک اثر ساده سرگرمی، به ابزاری فرهنگی تبدیل می‌کند.

بنابراین، در این پژوهش مولفه‌های فرهنگی به‌کار گرفته شده در انیمیشن پسر دلفینی مورد مطالعه قرار گرفت. انیمیشنی که به کارگردانی محمد خیراندیش و تهیه‌کنندگی محمد امین همدانی طی چهار سال تولید شد. طبق آمار سایت بولتن اکران سینما^۱ روسیه در سال ۲۰۲۲، این اثر در دو هفته اول اکران، رتبه دوم پرفروش‌ترین فیلم روسیه را در اختیار داشت و در مجموع توانست به فروش ۱,۱۴۸ میلیون دلاری در این کشور دست پیدا کند. همچنین طبق آمار سایت دِ نامبرز^۲، فروش جهانی این اثر تا سال ۲۰۲۶، معادل ۲,۱۶ میلیون دلار است. این انیمیشن با بهره‌گیری از مولفه‌های فرهنگی و هنری ایران، فرصتی برای نمایش هویت بومی در سطح جهانی فراهم کرده است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی

۱. Biulleten' kinoprokatchnika بولتن اکران سینما. (Бюллетень кинопрокатчика) نشریه حرفه‌ای و وسایط

تخصصی صنعت فیلم روسیه که جزو منابع معتبر و مرجع در زمینه آمار و اطلاعات بازار سینمای این کشور به شمار می‌رود.

۲. The Numbers. یکی از بزرگترین و معتبرترین پایگاه‌های داده آنلاین در زمینه آمار فروش گیشه، بودجه تولید و عملکرد تجاری فیلم‌ها در سطح جهان که مرجع بسیاری از پژوهش‌های دانشگاهی و گزارش‌های صنعت سینما محسوب می‌شود.



ایران عمل کند. هدف ما در این تحقیق بررسی نقش انیمیشن پسر دلفینی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش نشانه‌شناسی رولان بارت^۱ است. در این چارچوب، پیام‌ها و مفاهیم فرهنگی بازنمایی‌شده در این انیمیشن و شیوه به‌کارگیری نشانه‌های صریح و ضمنی برای انتقال ارزش‌های فرهنگی ایرانی-اسلامی مورد تحلیل قرار گرفت و سؤال اصلی پژوهش، چنین تعریف می‌شود: انیمیشن پسر دلفینی چگونه می‌تواند به‌عنوان ابزاری در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران عمل کند؟ سؤالات فرعی نیز شامل این موارد است: چه پیام‌ها و ارزش‌های فرهنگی در این انیمیشن منعکس شده است؟ نشانه‌های صریح و ضمنی موجود در آن، چگونه به انتقال مفاهیم فرهنگی کمک می‌کنند؟

۱. پیشینه پژوهش

۱-۱. پژوهش‌های داخلی

ایزدی و شمشیری (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی عمومی برای کودکان، مطالعه موردی پویانمایی‌های والٹ دیزنی»، بیان کرده‌اند که بازنمایی سبک زندگی غربی در جهت تقویت دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا، در انیمیشن‌های داستان اسباب‌بازی^۲، زوتوپیا^۳ و شش قهرمان بزرگ^۴ محقق شده است. این محصولات آمریکایی به‌دلیل جذابیت، خوش‌ساخت بودن و داستان‌پردازی مناسب، استفاده از فناوری‌های پیشرفته در تولید پویانمایی‌ها و رنگ‌آمیزی و رنگ‌های شاد، منجر به تقویت دیپلماسی عمومی این کشور به‌ویژه در میان کودکان خواهد شد.

رجبی و عصارى (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان «منابع، اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیدند که جمهوری اسلامی ایران قابلیت‌های چشمگیری در خصوص استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی دارد که استفاده بهینه از آن‌ها می‌تواند به ارتقای مولفه‌های قدرت نرم در سیاست خارجی این کشور کمک نماید.

شهسواری‌فرد (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات و زبان در دیپلماسی فرهنگی؛ از ضرورت تا واقعیت»، بیان کرده است که امروزه تولیدات فرهنگی نظیر فیلم‌های سینمایی و آلبوم‌های موسیقی نقش عمده‌ای در علاقه‌مند کردن مردم جهان به یک زبان یا فرهنگ خاص

-
1. Roland Barthes
 2. Toy Story 3
 3. zootopia
 4. Big Hero 6



دارند. هرچه فیلم‌های ایرانی در سطح جهان بیشتر دیده شوند و موسیقی ایرانی بیشتر شنیده شود، جایگاه زبان فارسی و به تبع آن جایگاه فرهنگ و تمدن ما در فرایند جهانی شدن بیشتر تقویت می‌شود.

رحیمی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله «بررسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جشنواره‌های بین‌المللی فیلم» عنوان کرده‌اند که سینمای ایران به لطف حضور چندین دهه در جشنواره‌ها و وجود کارگردانان مستعد توانسته است نام ایران را در سراسر دنیا بشناساند. روایت داستان‌های جذاب فولکور و اساطیری، شناساندن اسطوره‌های معاصر و تاثیرگذار، سبک زندگی مردم در نقاط مختلف ایران، موضوعات مورد وفاق اخلاقی در سطح جهان مثل انجمن‌های خیریه، صلح و دوستی و مذهب، با توجه به جمعیت کثیر مسلمانان در جهان، خط و زبان و صدها حکایت دیگر از جمله این روایت‌ها هستند.

جوادی ارجمند (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر جهانی شدن فرهنگ بر جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران» بیان کرده است که دیپلماسی و ارتباطات فرهنگی امروزه به‌عنوان یک اصل اساسی و اثرگذار در روابط بین‌الملل مورد پذیرش همگان قرار گرفته و بسیاری از متفکران و سیاست‌مداران راه برون‌رفت از مشکلات کنونی بشریت را حاکمیت فرهنگ در مناسبات بین‌المللی می‌دانند.

شهرام‌نیا و نظیفی نایینی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با نام «تاثیر جهانی شدن بر دیپلماسی فرهنگی» نتیجه گرفته‌اند که فرهنگ، جهانی شدن و روابط بین‌المللی، به طور فزاینده‌ای در حال وابسته شدن به یکدیگرند؛ چرا که تسلط بر این سه، کشورها را برای قدرتمند شدن و تاثیر بر همکاری، صلح و همبستگی توانمند می‌سازد و این مهم با اتخاذ دیپلماسی فرهنگی در جریان روابط کشورها محقق خواهد گشت.

شفیعی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله «فرهنگ و نقش آن در دیپلماسی عمومی» نتیجه گرفته‌اند که با توجه به مفاهیم فرهنگ و ارتباط آن با فرایند جهانی شدن از یک سو و مسئله ارتباطات که شالوده موضوع جهانی شدن را مطرح می‌کند میان فرهنگ و دیپلماسی ارتباط متقابلی وجود دارد که می‌توان از فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف دیپلماسی کشورها استفاده نمود. دیپلماسی فرهنگی دارای نقشی سازنده است و تأثیرات زیادی بر روی اعتمادسازی، تقویت تفاهم دوجانبه و کمک به تعمیق و گسترش بیشتر روابط سیاسی و اقتصادی بین کشورها بر جای می‌گذارد.



۲-۱. پژوهش‌های خارجی

پژوهشی با عنوان «بازنمایی دیپلماسی فرهنگی در مجموعه بریجرتون»^۱، نوشته آنکیتا آجیت^۲ و سرینا کی^۳ (۲۰۲۳)، به بررسی نحوه استفاده از فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی در این سریال می‌پردازد و تحلیل می‌کند که چگونه این سریال با معرفی شخصیت‌های متنوع و فرهنگ‌های مختلف، می‌تواند ابزاری برای دیپلماسی فرهنگی و ارتقای روابط دیپلماتیک بین کشورها باشد. این مقاله به استفاده از عناصر فرهنگی هند و بریتانیا در داستان پرداخته و تاثیر آن را در سیاست‌های فرهنگی جهانی تحلیل می‌کند.

حسن بردکچی^۴ (۲۰۲۴)، در مقاله «استفاده از آثار ناظم حکمت به‌عنوان ابزاری برای دیپلماسی فرهنگی از طریق انیمیشن‌های شوروی: از نظر تبادل فرهنگی»، به بررسی استفاده از آثار شاعر ترکیه‌ای، ناظم حکمت، به‌عنوان ابزاری برای دیپلماسی فرهنگی از طریق انیمیشن‌های شوروی می‌پردازد. این مقاله تحلیل می‌کند که چگونه آثار حکمت در انیمیشن‌های شوروی برای تقویت روابط فرهنگی و سیاسی میان ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی استفاده شده است. نتیجه‌گیری مقاله نشان می‌دهد که این آثار توانسته‌اند نقشی قابل توجه در تبادل فرهنگی و تقویت دیپلماسی نرم ایفا کنند.

مقاله «موفقیت انیمه و مانگا^۵ به‌عنوان ابزاری برای دیپلماسی فرهنگی ژاپن» نوشته فاهرور رهایو^۶ (۲۰۲۱)، به بررسی موفقیت انیمه و مانگا به‌عنوان ابزاری برای دیپلماسی فرهنگی ژاپن می‌پردازد. این مقاله نشان می‌دهد که انیمه و مانگا به‌عنوان بخش‌های مهمی از فرهنگ ژاپن، نقش کلیدی در انتقال ارزش‌ها، هویت فرهنگی و ایجاد تصویر مثبت از ژاپن در سطح جهانی ایفا می‌کنند. این رسانه‌ها توانسته‌اند ارتباطات فرهنگی ژاپن با دیگر کشورها را تقویت کرده و به دیپلماسی فرهنگی کمک کنند.

ناتالیا گرینچوا^۷ (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان «شکل و محتوای فضایی دیجیتالی: نقشه برداری از قدرت نرم انیمیشن در آسیا»، به تحلیل چگونگی استفاده از انیمیشن‌ها توسط

1. Bridgerton series
2. Ankitha Ajith
3. Sreena K.
4. Hasan Bardakçı
5. Manga
6. Fahrur Dhany Rahayu
7. Natalia Grincheva



دریم‌ورکز^۱ برای ایجاد ارتباطات فرهنگی و تاثیر آن‌ها بر تصویر فرهنگی کشورهای آسیایی می‌پردازد و به نقش انیمیشن در دیپلماسی فرهنگی و گسترش نرم‌افزارهای دیجیتال اشاره دارد. او نتیجه‌گیری می‌کند که انیمیشن‌های دیجیتال استودیوی دریم‌ورکز به‌عنوان ابزاری قدرتمند در انتقال فرهنگ و ارزش‌های غربی در آسیا عمل می‌کند. این انیمیشن‌ها نه‌تنها نقش موثری در ایجاد تصویری مثبت از غرب داشتند، بلکه به تقویت قدرت نرم این استودیو در کشورهای آسیایی کمک کردند. ترکیب فناوری‌های دیجیتال و داستان‌سرایی جذاب در این فرآیند نقش مهمی ایفا کرده است.

در یک نگاه طبقه‌بندی‌شده، پیشینه‌های پژوهش را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: نخست، پژوهش‌هایی که به‌طور کلی به تبیین مفهوم دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست‌خارجی کشورها پرداخته‌اند؛ دوم، مطالعاتی که بر ابزارهای دیپلماسی فرهنگی مانند زبان، ادبیات، سینما یا جشنواره‌های فرهنگی متمرکز بوده‌اند و سوم، پژوهشی که به مطالعه موردی انیمیشن‌های خارجی در زمینه انتقال ارزش‌های فرهنگی و هویتی اختصاص داشته است. پژوهش حاضر با تمایز آشکار از هر سه دسته، بر انیمیشن ایرانی معاصر تمرکز دارد و ضمن بهره‌گیری از چارچوب نشانه‌شناسی، تلاش می‌کند با پر کردن شکاف موجود میان تولیدات فرهنگی ملی و تحلیل‌های کاربردی در زمینه دیپلماسی فرهنگی، نقش این اثر را در بازنمایی عناصر فرهنگ ایرانی و قابلیت آن در چارچوب دیپلماسی فرهنگی بررسی کند؛ موضوعی که تاکنون مغفول مانده است.

۲. مفاهیم پژوهش

۲-۱. دیپلماسی

یکی از مفاهیمی که همواره در تاریخ مورد تحول واقع شده و با پایداری کم و بیش کارکردها به‌دنبال حفظ و توسعه منافع بوده، دیپلماسی است (کوپلند^۲، ۲۰۰۹: ۷). دیپلماسی از دوران قدیم میان دولت‌ها رایج بوده و امروزه نیز حکومت‌ها در تلاش برای تحصیل هدف‌ها و دفاع از منافعشان، از این ابزار استفاده می‌کنند. واژه دیپلماسی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از معانی مختلفی برخوردار است. دیپلماسی عبارت است از فن مدیریت تعامل با جهان خارج توسط دولت‌ها (دارابی، ۱۳۹۰: ۳۲۰). دیپلماسی به‌طور کلی مغز متفکر قدرت ملی است (ملکی، ۱۳۸۶: ۸۶). دیپلماسی هنر جلب مساعد و فراهم آوردن زمینه دولتی برای کشور

1. DreamWorks
2. Daryl Copeland

متبوع است؛ این نظریات مساعد و دوستی‌ها، حافظ استقلال دولت‌ها و موجب تسهیل حل اختلافات به طریق مسالمت‌آمیز و آشتی دادن منافع دولت‌ها است (دبیری، ۱۳۷۴: ۶ و ۷). دیپلماسی به مدیریت یک روش غیرخشونت‌آمیز با هدف دستیابی به منافع، ارزش‌ها و ارتقای موقعیت سیاسی و اقتصادی یک کشور در جهان اشاره دارد (محمدیان و رضایی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). دیپلماسی در کنار اهداف دفاعی یکی از ابزارهای مهم برای مدیریت و اجرای سیاست خارجی است (کوپلند، ۲۰۰۹: ۷). با توجه به تعاریف ارائه‌شده، در این مقاله دیپلماسی به‌مثابه ابزار نرم و غیرمستقیم تحقق اهداف سیاست خارجی از طریق جلب همکاری، گفت‌وگو و تاثیرگذاری بر مخاطبان خارجی تعریف می‌شود؛ ابزاری که نقش مکمل در کنار ابزارهای سخت دارد و در خدمت تبیین و پیشبرد منافع ملی است.

۲-۲. دیپلماسی فرهنگی

یکی از شیوه‌های دیپلماسی دوره معاصر، دیپلماسی فرهنگی^۱ است که در قرن نوزدهم از سوی دولت فرانسه ابداع شد (شاه محمدی و قرائتی، ۱۳۹۱: ۱۰۵). دیپلماسی فرهنگی را می‌توان به‌عنوان تلاش یک بازیگر برای مدیریت محیط بین‌المللی از طریق شناخته شدن منابع و دستاوردهای فرهنگی خود در خارج از کشور و یا تسهیل انتقال فرهنگی در خارج از کشور تعریف کرد (جی. کال^۲، ۲۰۰۹: ۱۰-۲۰). فرانک نینکوویچ^۳ دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی بر اساس ارزش‌های مشترک می‌داند. این در حالی است که بنا به تعریف گیفورد مالون^۴، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از معماری شاهراهی دوطرفه به‌منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آن‌ها (حسن خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

دیپلماسی فرهنگی چیزی بیش از فریفتن ساده عموم و جلب نظر دولت‌ها است. فلسفه دیپلماسی فرهنگی، دستیابی به نتایج است» (لئونارد^۵ و استید^۶، ۲۰۰۲: ۴۷). در این دیپلماسی به جای استفاده و

1. The Cultural Diplomacy
2. Nicholas Cull
3. Frank Ninkovich
4. Gifford Malone
5. Mark Leonard
6. Catherine Stead



یا در کنار استفاده از مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی برای جلب توجه و علاقه مخاطبان کشورهای دیگر، به طور مستقیم و از طریق امکانات غیرسیاسی در داخل جوامع مختلف، در آن‌ها تأثیر می‌گذارد (خرازی محمودندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۰۹). دیپلماسی فرهنگی در این مقاله به معنی استفاده هدفمند از ظرفیت‌ها و دستاوردهای فرهنگی یک ملت برای تأثیرگذاری نرم بر مخاطبان خارجی، ایجاد تصویر مثبت از کشور و ارتقای منافع ملی در سطح بین‌المللی تعریف می‌شود.

۳-۲. انیمیشن

کلمات «انیمیشن»، «متحرک» و «انیماتور» همگی از انیمیر^۱ به معنی «زندگی بخشیدن» مشتق شده‌اند. نورمن مک‌لارن^۲ می‌گوید: «انیمیشن هنر نقاشی‌هایی نیست که حرکت می‌کنند، بلکه هنر حرکتی است که کشیده می‌شوند (ولز، ۱۹۹۸: ۱۰)». انیمیشن به‌عنوان هنر و صنعت یکی از درجه‌های مهم برقراری ارتباط با دنیای معاصر و منظری برای نمایش هنر و فرهنگ ملی هر کشور است (صفورا و عرب، ۱۳۹۴: ۳۹). انیمیشن، هنری پیچیده است که از ترکیبی از دستاوردها و تجربیات هنرهای پیش از خود و آخرین یافته‌های ذهن جستجوگر انسان در حیطه هنر استفاده می‌کند. هم‌زمانی تولد این هنر با گسترش ارتباطات و استفاده ابزاری از آن به‌عنوان هنر رسانه برای تبلیغ کالاها و اندیشه‌ها این هنر را در مرز هنر و رسانه نگه داشته است (ایراندوست، ۱۴۰۰: ۱۱). انیمیشن یا هنر هشتم به‌واسطه توانمندی‌های انحصاری‌اش در جذب مخاطب جایگاه مهمی در عرصه فرهنگ و اجتماع از یک سو و اقتصاد و سیاست از سوی دیگر پیدا کرده است (مهدیان، ۱۳۹۸: ۱۷۸). صدور این آثار به بازار جهانی و نمایش آن در جوامع مختلف به معنی صدور تمام معانی و حرف‌های نهفته در دل گفتگوها و در پس تصاویر آن است (فرچ‌نژاد، ۱۴۰۱: ۳۶۳). در این تحقیق، انیمیشن نه صرفاً به‌عنوان شکلی از سرگرمی، بلکه به‌عنوان رسانه‌ای خلاق و چندلایه در نظر گرفته می‌شود که قابلیت‌های تصویری برای انتقال مفاهیم فرهنگی را دارا می‌باشد.

۴-۲. انیمیشن سینمایی

فیلم‌های انیمیشن از برنامه‌های رسانه‌ای تأثیرگذاری هستند که طرفداران زیادی در نقاط مختلف دنیا دارند. این‌گونه فیلم‌ها که در بستر سینما رشد یافته‌اند امروزه هواداران و هواخواهان بسیاری

1. Animare
2. Norman McLaren

پیدا کرده و تولیدات آن روزبه‌روز بیشتر شده و دامنه تاثیرات آن افزایش می‌یابد. این نوع برنامه که حاصل تحرک بخشیدن به تصویرها است ابتدا به‌صورت کلیپ‌های کوتاهی تولید و در کنار فیلم‌های سینمایی در سالن‌های سینما نمایش داده می‌شد؛ ولی به تدریج با تولید انیمیشن‌های بلند سینمایی این برنامه‌ها وجهه‌ای مستقل یافته و به طور مستقل بر پرده سینما نمایش داده می‌شدند (بشیر و جواهری، ۱۳۹۶: ۹۰).

در یک تقسیم‌بندی کلی فیلم و سینما به سه گروه کلی تقسیم می‌شود: ۱- فیلم‌های داستانی ۲- فیلم‌های غیرداستانی شامل فیلم‌های مستند و تجربی ۳- فیلم‌های انیمیشن (بوردول و تامسون، ۱۳۸۹: ۱۹). انیمیشن به‌عنوان یکی از انواع سه‌گانه سینما، رسانه و هنری است ترکیبی که از عناصر بیانی سایر هنرها استفاده کرده و در شکل کلی‌تر ترکیبی است از عناصر بیانی هنرهای نمایشی (سینما) و هنرهای تجسمی (نقاشی و گرافیک). تولیدات انیمیشن به سه دسته عمده انیمیشن کوتاه تجربی-هنری، انیمیشن سینمایی و انیمیشن تلویزیونی تقسیم می‌شود. عناصر ساختاری این سه نوع انیمیشن در عین داشتن اشتراکات بسیار بسته به ویژگی‌های هر رسانه از اختلافاتی نیز برخوردار است. هر یک از این انواع به‌لحاظ ساختار متن ساختار فرم بصری و غیره ویژگی‌های خاص خود را دارند. عناصر بصری (مانند خط، رنگ، تونالیته تیرگی/روشنی، شکل، بافت و فضا)، عناصر صدا (موسیقی، دیالوگ و جلوه‌های صوتی) و ویژگی‌های ساختار فیلم‌نامه نیز بسته به نوع رسانه و مخاطب هدف (خردسال، کودک، نوجوان و عام) در انواع تولیدات انیمیشن متفاوت است (صفورا و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳-۷۲). در این پژوهش، انیمیشن سینمایی به‌عنوان گونه‌ای از تولیدات سینمایی با روایت بصری متحرک تعریف می‌شود که علاوه بر جنبه‌های سرگرمی، واجد ظرفیت‌های فرهنگی، هنری و دیپلماتیک در عرصه بین‌المللی است.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

۳-۱. چارچوب مفهومی

انیمیشن به‌دلیل قابلیت‌های منحصر به فرد، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار موثر برای انتقال ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ‌ها به مخاطبان مختلف در دنیا، به کار گرفته شود. این ژانر پیوند عمیقی با تخیل و فانتزی دارد و روی هر سنی تاثیرگذار است. در این ژانر دیواره دفاعی افراد برای دریافت پیام بسیار کوتاه است؛ یعنی اگر قرار است مخاطب پیام انیمیشنی را در سن بالاتر دریافت کند، چون از کودکی به دریافت پیام از طریق این ژانر عادت داشته و تصاویر انیمیشنی با



خاطرات خوب و حس نوستالژیک برای او همراه است، در بزرگسالی هم قالب انیمیشن روی او اثر می‌گذارد (زادقناد، ۱۴۰۱: ۱).

این ویژگی انیمیشن آن را به رسانه‌ای ایده‌آل برای دیپلماسی فرهنگی تبدیل کرده است. انیمیشن از مرزهای زبانی و فرهنگی عبور می‌کند و با استفاده از فانتزی و داستان‌پردازی جذاب، می‌تواند مفاهیم پیچیده فرهنگی را به شکلی ساده و قابل فهم به مخاطبان منتقل کند. مولفه‌های فرهنگی موجود در انیمیشن، در نگاه اول برای کودکان جذاب و سرگرم‌کننده است؛ اما می‌توانند حامل پیام‌های عمیق‌تری برای بزرگسالان نیز باشد. این لایه‌های معنایی پیچیده، مخاطب را به تامل واداشته و حتی در سطوح بالای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نیز اثرگذار خواهند بود. از سوی دیگر، «اگر فرهنگ را مجموعه‌ای از سنت، قوانین، مقررات، آداب، رسوم، ارزش‌ها و باورهایی که احساسات، افکار و رفتار گروهی از مردم را شکل می‌دهد» (فولادی، ۱۳۸۶: ۱۹۶) بدانیم، بررسی محتوای مجموعه‌های انیمیشنی که به واسطه نفوذ قدرتمند خود، تاثیرگذاری زیادی دارند، ضروری به نظر می‌آید. چنین آثاری ضمن سرگرم‌کنندگی، به توسعه قدرت نرم کشورها در عرصه جهانی کمک می‌کند. انیمیشن‌هایی که در سطح جهانی دیده و پذیرفته می‌شوند، می‌توانند چهره‌ای مثبت و جذاب از فرهنگ یک کشور ارائه دهند و به این ترتیب روابط سیاسی و اقتصادی را تسهیل کنند.

۲-۳. چارچوب نظری

جوزف نای^۱ بر این باور است که نظریه قدرت نرم، مبنای نظری دیپلماسی عمومی را شکل می‌دهد. بر اساس تعریف او، قدرت نرم عبارت است از توانایی یک دولت در رسیدن به اهداف مطلوب از طریق ایجاد جاذبه و کشش و نه با استفاده از قوه قهریه و زور. او اعمال قدرت نرم را از روش‌هایی همچون بسط و گسترش روابط با متحدان و تعاملات فرهنگی میسر می‌داند. از دیدگاه وی، چنین سیاستی منجر به محبوبیت دولت‌ها نزد افکار عمومی کشور مقصد می‌شود و کسب حیثیت و وجهه بین‌المللی برای دولت‌ها را نیز در بردارد (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۲۲۸). نای معتقد است: «جاذبیت‌های هر کشور از سه چیز ناشی می‌شود: فرهنگ آن کشور که می‌تواند برای دیگران جذاب باشد، ارزش‌هایی که آن کشور ترویج می‌دهد و در نهایت سیاست‌هایی که حکومت دنبال می‌کند» (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۱۲۹). تئوریزه شدن دیپلماسی

1. Joseph Nye

عمومی^۱ از درون نظریه قدرت نرم از این جهت است که محورهای پارادایم‌های سیاسی جهان امروز در حال جابه‌جایی از ژئوپلیتیک و قدرت به سوی جهانی پسامدرن از تصویر و نفوذ است؛ لذا قدرت در چنین وضعیتی تنها از اقناع و اجبار بر نمی‌خیزد، بلکه به شکل فزاینده‌ای حاصل ارائه اطلاعات و ایجاد جذابیت است. از این رو، دیپلماسی عمومی، علم و هنر استفاده از قدرت نرم است (حمیدی، ۱۳۸۵: ۱).

به باور بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز و اعلا‌ی اعمال قدرت نرم است که به کشورها این امکان و توان را می‌دهد در طرف مقابل نفوذ کرده و او را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها ترغیب به همکاری نمایند. دیپلماسی فرهنگی در عالی‌ترین سطح خود بسترساز تعامل فرهنگ‌ها و تمدن‌ها است و بهترین ابزار شناختن فرهنگ دیگران، شناساندن فرهنگ خویش و گشودن باب تعامل، گفتگو و داد و ستد فرهنگی است (محمدی فومنی، ۱۳۹۲: ۱).

روش پژوهش

با توجه به موضوع و اهداف پژوهش، روش تحقیق مورد نظر، نشانه‌شناسی^۲ سه‌سطحی رولان بارت است. طبق بررسی‌های انجام شده، نشانه‌شناسی غالب‌ترین الگوی روش‌شناختی برای مطالعات تصویر است (گیویان و سروی زرگر، ۱۳۸۸: ۱۵۷) که در این تحقیق از آن استفاده می‌شود. تحلیل نشانه‌شناسی با کار زبان‌شناس سوئیسی فردینان دو سوسور^۳ و فیلسوف امریکایی چارلز پیرس^۴ آغاز شد و رولان بارت برای اولین بار این روش را به مثابه وسیله‌ای برای به دست آوردن درکی تیزبینانه از فرهنگ رسانه‌ای شده به عموم مردم معرفی کرد (دانسی^۵، ۱۳۸۶: ۵۸). نشانه‌شناسی روشی است برای رسیدن به مضامین و معانی نهفته در متن. واقعیت همیشه از طریق یک نظام معنایی خاص ساخته و برای انسان‌ها قابل درک می‌شود (کوثری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۲). بارت بر این باور است که هدف اصلی نشانه‌شناسی یافتن دلالت معنایی در گستره بی‌پایان زندگی بشر است (بارت، ۱۳۷۰: ۳۵). در نشانه‌شناسی نه از نشانه‌ها بلکه باید از نقش

-
1. Public Diplomacy
 2. Semiotics
 3. Ferdinand de Saussure
 4. Charles Peirce
 5. Marcel Danesi



نشانه سخن گفت؛ یعنی رابطه‌ای قراردادی که بین بیان و محتوا برقرار می‌شود. در این بین، محتوا خود ساخته و پرداخته فرهنگی مشخص است (اکو^۱، ۱۳۸۹: ۹).

بارت برای بیان دیدگاه خود نظام نشانه‌شناختی را دست‌کاری می‌کند و دال را با عنوان شکل معنایی، مدلول را با عنوان مفهوم و نشانه را دلالت می‌نامد (اکبری گلزار و زائری، ۱۳۹۹: ۳۵۸). رابطه میان دال و مدلول، دلالت نامیده می‌شود (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۹). او سه مرتبه از دلالت را مشخص می‌کند؛ دلالت صریح که نشانه از یک دال و یک مدلول تشکیل شده است. دلالت ضمنی که نشانه دارای دلالت صریح را در حکم دال خود می‌پذیرد و مدلولی تازه را به آن منصوب می‌کند. دلالت ایدئولوژیک که در آن دلالت ضمنی و دلالت صریح در تلفیق با یکدیگر ایدئولوژی را تولید می‌کنند. در این مرتبه نشانه‌ها بازتابی از اصلی‌ترین مفاهیم متغیر فرهنگی هستند (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۱۷).

برای تحلیل نشانه‌شناختی انیمیشن پسر دلفینی با تمرکز بر استخراج مولفه‌های فرهنگی، یافتن دلالت‌های ضمنی و صریح از صحنه‌های مختلف امری ضروری است. در این فرآیند، صحنه به‌عنوان واحد تحلیل مورد بررسی قرار گرفت و مؤلفه‌های فرهنگی موجود در آن شناسایی شد. برای درک بهتر از توزیع این مولفه‌ها در انیمیشن، ترسیم نمودارهایی که تکرار هر کدام را در صحنه‌های مختلف نشان دهد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نمودارها نشان می‌دهد انیمیشن پسر دلفینی چگونه از مؤلفه‌ها برای ارسال پیام‌های فرهنگی بهره می‌برد و بر کدام یک، تاکید بیشتری دارد.

۴. یافته‌ها

۴-۱. داستان انیمیشن پسر دلفینی

انیمیشن پسر دلفینی روایتگر کودکی است که پس از سقوط هواپیما، در میان دلفین‌ها زندگی می‌کند و خود را یکی از آن‌ها می‌پندارد. او با کشف هویت انسانی خود، برای یافتن مادرش جست‌وجویی را آغاز می‌کند. پدر او دانشمندی است که موفق به ساخت ماده شیمیایی با ارزشی بالا شده است. پس از مرگ او، مادر برای حفظ این میراث از چنگ افراد شرور، به همراه فرزندش می‌گریزد. در این مسیر، هواپیمای آن‌ها هدف قرار گرفته و کودک در آب سقوط می‌کند. دلفینی به نام سفید او را نجات داده و از او مراقبت می‌کند. پسر دلفینی با آگاهی از

1. Umberto Eco

تفاوت خود با محیط پیرامون، راهی سفر می‌شود. او به جزیره‌ای در جنوب ایران پا می‌گذارد و با ناخدا مروارید آشنا می‌شود. ناخدا در ازای دریافت مروارید از اعماق دریا، او را به غاری مرموز راهنمایی می‌کند که مادر در آن نگهداری می‌شود. دو تهدید اصلی داستان را شکل می‌دهند: هشت‌پایی که زیست‌بوم دریا را آلوده کرده و پیرمرد غواصی که در پی تصاحب ماده شیمیایی به منظور سلطه بر جهان است. پس از کشمکش‌های فراوان، پسر دلفینی درمی‌یابد نیروی پاک‌کننده دریا در اشک مادرش نهفته و بخشی از آن در وجود خود او جریان دارد. او با فداکاری، دریا را پاک و جهان را نجات می‌دهد و مادرش با نیروی عشق، زندگی را به او بازمی‌گرداند.

۲-۴. بررسی دلالت‌های صریح و ضمنی

تصاویر ۱



در این تصاویر، در سطح دلالت صریح، شاهد تصاویری از دریا، دلفین و محیط رنگارنگ زیر آب، انواع آبیان و موجودات دریایی هستیم که به طور ضمنی، به خلیج فارس و تنوع زیستی آن اشاره دارد. خلیج فارس به دلیل داشتن موقعیت راهبردی، برای ایران از اهمیتی حیاتی برخوردار است. این آبراهه نه تنها مرز آبی و اقتصادی ایران با کشورهای همسایه است، بلکه از لحاظ



تاریخی و سیاسی ریشه در هویت ایرانی دارد. این خلیج به‌عنوان منبع اصلی درآمدهای نفتی، نقش محوری در اقتصاد کشور ایفا می‌کند و با داشتن تنوع زیستی غنی، کانون تمدن‌های ایرانی بوده است. تنوع زیستی خلیج فارس، نشان‌دهنده سلامت اکوسیستم و تعادل زیستی این منطقه است. دلفین‌ها نیز از نظر زیست محیطی، به‌عنوان شاخصی برای سلامت آب‌ها هستند که در حفظ تعادل زیست محیطی نقش دارند. همچنین، در فرهنگ ایران، دلفین به‌عنوان نمادی از آیین مهر شناخته می‌شود (وکیلی، ۱۳۹۵: ۴۶۵-۴۶۶). این موارد می‌تواند به‌عنوان یک نماد فرهنگی، نقطه آغازی برای تعامل میان فرهنگ‌ها باشد.

تصاویر ۲



در این تصاویر در سطح دلالت صریح، شاهد ناهید، مادر پسر دلفینی هستیم. او زنی با موهای بلند با پیچ‌وتابی خاص است که ستاره‌ها از او متولد می‌شوند. همچنین چشمه آبی از اشک او جریان دارد که ضمن از بین بردن آلودگی آب، شفافش است. این موارد به‌علاوه نقش ستاره روی شن‌ها به طور ضمنی به آن‌اهیتا، الهه آب‌های ایران باستان، یکی از پرستش‌شده‌ترین الهه‌های ایرانی اشاره دارد. او به‌عنوان نمادی از باروری، زاینده‌گی، درمانگری، پاک‌کننده آب و پاکدامنی شناخته می‌شود. در اساطیر ایرانی او سرچشمه تمام آب‌های روی زمین و نگهبان آن‌ها به شمار می‌رود (وکیلی،

۱۳۹۵: ۱۶۴-۱۶۹). نقش خورشید موجود در این تصویر نیز به میترا اشاره دارد. او در فرهنگ ایرانی، به‌عنوان نماد پیمان، راستی، خورشید، جنگاوری و دادگری است. او ایزدی است که بر عهد و پیمان‌ها نظارت دارد، با خورشید پیوند خورده و در نبرد کیهانی میان نیکی و بدی نقش داور و میانجی را ایفا می‌کند (همان: ۳۵۳، ۴۰۴، ۴۵۱، ۴۵۲). نقش دلفین نیز به اسطوره زایش مهر از آناهیتا به‌عنوان نمادی از این آیین شناخته می‌شود (همان: ۴۶۵ و ۴۶۶). از منظر دیپلماسی فرهنگی، استفاده از این نقوش می‌تواند برای معرفی اساطیر تاریخ ایران به جهانیان مورد استفاده قرار گیرد.

تصویر ۳



در سطح دلالت صریح شاهد یک شهر بندری با درخت نخل هستیم که به طور ضمنی، نمادی از بوشهر به‌عنوان دروازه فرهنگی و تمدنی خلیج فارس است. این شهر بندری محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف بوده و نمایانگر تاریخ چند هزار ساله و فرهنگ غنی ایرانیان است. همچنین به‌عنوان یکی از بنادر مهم ایران، نقش مهمی در تجارت دریایی و ارتباطات بین‌المللی دارد که می‌تواند به‌عنوان نمادی از روحیه تجارت‌پیشه و ارتباط‌گرایی مردم ایران معرفی شود. بوشهر با داشتن منابع غنی انرژی و نفت و همچنین ظرفیت بالا در اکوتوریسم، ظرفیت زیادی برای توسعه اقتصادی دارد. تمام این موارد می‌تواند به تقویت دیپلماسی فرهنگی ایران و ایجاد تصویری مثبت از این کشور کمک کند.

تصاویر ۴





در این تصویر، در سطح دلالت صریح، شاهد تصویری از عمل ماهی‌گیری، چوب و تور ماهی‌گیری هستیم. این تصاویر به طور ضمنی، نمادهایی از زندگی ساحلی و اقتصاد دریایی هستند. ماهی‌گیری در جنوب ایران علاوه بر این که شغل سنتی و روش امرار معاش اهالی بندر است، ریشه در تاریخ این منطقه دارد. این می‌تواند به‌عنوان یک پل ارتباطی میان فرهنگ‌های مختلف عمل کرده و به شناخت بهتر از ایران و مردمانش کمک کند.

تصویر ۵



در این تصویر، در سطح دلالت صریح، شاهد تصویری از یک جزیره رنگارنگ و تنگه هستیم که به طور ضمنی، به جزیره هرمز اشاره دارد که به‌عنوان نگین خلیج فارس، از اهمیت راهبردی بالایی برخوردار است. موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد آن در تنگه هرمز، این جزیره را به یک نقطه کانونی در امنیت دریایی منطقه تبدیل کرده است. کنترل تنگه هرمز که از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان است، به ایران امکان می‌دهد تا نقش مهمی در امنیت انرژی جهانی ایفا کند. همچنین تنوع زمین‌شناسی، فرهنگی و تاریخی جزیره، آن را به یک مقصد گردشگری جذاب تبدیل کرده است. با معرفی جاذبه‌های طبیعی و تاریخی جزیره هرمز، می‌توان به ارتقای وجهه ایران در سطح بین‌الملل کمک کرد.

تصویر ۶



در این تصویر چند مروارید دیده می‌شود که به طور ضمنی، به مرواریدهای خلیج فارس اشاره دارد که از دیرباز به‌عنوان یکی از ارزشمندترین گوهرها بوده است. خلیج فارس به‌عنوان یکی از غنی‌ترین منابع مروارید طبیعی در جهان، سالیان درازی است که این گوهر ارزشمند را به جهان عرضه می‌کند. مرواریدهای ایرانی به‌دلیل درخشندگی و کیفیت بی‌نظیرشان شهرت جهانی داشته‌اند و در جواهرات پادشاهان و اشراف‌زادگان استفاده می‌شدند. صید صدف مرواریدساز و مروارید، در آب‌های خلیج فارس، پیشه ساحل‌نشینان بوده است. این نه‌تنها یک فعالیت اقتصادی، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و هویت مردم جنوب می‌باشد. ارزش بالای اقتصادی، اشتغال‌زایی و کاربرد صدف در صنعت جواهرسازی و صنایع دستی دریایی، مهم‌ترین انگیزه‌ها و عوامل صید مروارید است. به همین دلیل مروارید به‌عنوان یک مؤلفه فرهنگی ارزشمند، می‌تواند نقش مهمی در دیپلماسی فرهنگی ایفا کند.

تصاویر ۷



ابزارهای موسیقی محلی جنوب ایران، دلالت صریح این تصویر است که در سطح دلالت ضمنی، بازتاب‌دهنده فرهنگ، باور و تاریخ مردم این منطقه و پیوند ناگسستنی آن‌ها با دریا است. صدای نی‌انبان، یادآور امواج دریا، باد و سختی‌های زندگی دریانوردان است. دمام نیز با ضرباهنگ قوی و ریتمیک خود، هیجان، همبستگی و هماهنگی بین دریانوردان را در مقابله با چالش‌های دریا به تصویر می‌کشد. موسیقی‌هایی که هنگام انجام کارهای دشوار بر روی دریا خوانده می‌شود، نه تنها خستگی را کاهش می‌دهد، بلکه حس تعلق و هویت جمعی را تقویت می‌کند. این موسیقی‌ها، داستان‌ها، باورها و دانش بومی دریانوردان را نسل به نسل منتقل می‌کند و بخشی از میراث فرهنگی ناملموس این منطقه به شمار می‌رود. نمایش این موسیقی و استفاده از آن در فیلم‌ها، می‌تواند نقش مهمی در دیپلماسی فرهنگی ایفا کند.



تصاویر ۸



در سطح دلالت صریح، این تصاویر به لنج اشاره دارد. در سطح دلالت ضمنی، لنج به‌عنوان قدیمی‌ترین صنایع بومی جنوب ایران، یک وسیله سنتی حمل‌ونقل دریایی است که قدمت آن به سده ۲۴۰۰ پیش از میلاد برمی‌گردد (مختاری، ۱۳۹۹: ۲۷۵). نام آن در فهرست میراث ناملموس یونسکو قرار دارد که بدون نقشه قبلی و کاملاً ذهنی ساخته می‌شوند؛ به همین دلیل یک هنر و صنعت بومی است که دانش و مهارت‌های خاصی را می‌طلبد. در تاریخ، مردمان ایران به‌وسیله لنج‌ها، با جهان ارتباط داشتند. لنج یا جُهاز، برای مسافری، باربری، تجارت، ماهیگیری و صید مروارید استفاده می‌شود. استفاده از تصاویر و داستان‌های لنج‌ها در رسانه‌ها و آثار هنری، می‌تواند به شناخت بهتر فرهنگ ایرانی کمک فراوانی کند.

تصویر ۹



نقاشی کشیدن فرزند برای مادر، دلالت صریح این تصویر است. دلالت ضمنی آن، ریشه در ارزش‌های فرهنگی دارد. در فرهنگ ایرانی-اسلامی، خانواده به‌عنوان رکن اصلی جامعه و کانون محبت و تربیت شناخته می‌شود. نقاشی کشیدن فرزند برای مادر، بیانگر اهمیت خانواده و احترام به والدین در فرهنگ ایرانی می‌باشد که در آموزه‌های اسلامی نیز بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. این مفاهیم ضمنی نشان می‌دهند که ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، بخشی از هویت ملی

و دینی ایرانیان هستند. از منظر دیپلماسی فرهنگی، این مفاهیم می‌تواند به‌عنوان ارزش‌های جهان‌شمول، برای برقراری ارتباط با سایر فرهنگ‌ها استفاده شود.

تصویر ۱۰



در این تصویر، در سطح دلالت صریح، شاهد تصاویری از درخت نخل، خرما و طناب پیچیده شده دور تنه درخت هستیم. به طور ضمنی، نخل به‌عنوان درختی مقاوم و پرثمر، نمادی از استقامت و پایداری است. در قرآن کریم نیز به نخل اشاره شده و از آن به‌عنوان نعمتی الهی یاد شده است. خرما نیز منبعی غنی از انرژی است و در مراسم‌های مختلف از آن استفاده می‌شود. طنابی که دور تنه نخل پیچیده شده، نشان‌دهنده تلاش و کوشش کشاورز برای حفظ و پرورش نخل و بهره‌برداری از آن می‌باشد. در فرهنگ ایرانی، نخل و خرما با مفاهیمی چون مهمان‌نوازی، سخاوت و برکت پیوند خورده‌اند. معرفی خرما به‌عنوان یک محصول سالم و مغذی، می‌تواند به توسعه صادرات غیرنفتی و تقویت اقتصاد کشور کمک کند.

تصویر ۱۱



قهوه‌خانه به‌عنوان دلالت ضمنی مجموعه‌ای از دلالت‌های صریح ساختمان کاهگلی، سامور، قوری، قهوه‌ریز، تخت سنتی و قلیان در نظر گرفته می‌شود. قهوه‌خانه نماد مهمی از زندگی اجتماعی در ایران است که فراتر از یک مکان صرف برای نوشیدن چای یا قهوه است. این مکان



به‌عنوان مراکز اجتماعی - سیاسی، محل مناسبی برای گفت‌وگو و تبادل اندیشه، اجرای نقالی و شاهنامه‌خوانی بوده است. همچنین محل گردهمایی اقشار مختلف جامعه بوده و نقشی مهم در حفظ و انتقال فرهنگ شفاهی، آداب و رسوم و هویت جمعی داشته است. نوع معماری قهوه‌خانه نیز، نشان دهنده تعامل طولانی مدت انسان با محیط جغرافیایی، سادگی، صمیمیت و استفاده بهینه از منابع محلی است که نه‌تنها با محیط زیست سازگارند، بلکه حس آرامش و تعلق به مکان را در ساکنان خود تقویت می‌کنند. این نوع معماری، با خنک نگه داشتن فضا در تابستان و گرم نگه داشتن آن در زمستان، نمادی از صرفه‌جویی و استفاده هوشمندانه از منابع هستند که از آموزه‌های مهم در دین اسلام نیز به شمار می‌روند. از منظر دیپلماسی فرهنگی، قهوه‌خانه می‌تواند به‌عنوان نمادی از فرهنگ غنی گفت‌وگو، مدارا و تبادل اندیشه در ایران به جهانیان معرفی شود.

تصاویر ۱۲





دلالت‌های صریح موجود در این تصاویر، شامل تخت و صندلی سنتی، پستی، متکا، چادر شب، گلیب، ظروف مسی و سفالی، ظروف با نقوش سنتی، دستبند زنانه، منبت‌کاری، بادبزن، سبد حصیری و ادویه می‌شود. هر کدام از این صنایع، داستانی از تاریخ، فرهنگ و سبک زندگی مردم مناطق مختلف ایران را روایت می‌کند. تخت و صندلی سنتی، پستی و بالش، فضایی گرم و صمیمی را در خانه‌های ایرانی تداعی می‌کند که محل گردهمایی خانواده و گفتگو بوده است. چادر شب و گلیب، نشان از ذوق و سلیقه هنرمندان ایرانی و استفاده از نقوش و رنگ‌های الهام‌گرفته از طبیعت و فرهنگ بومی دارد. ظروف مسی و سفالی، علاوه بر کاربردشان در زندگی روزمره، نمادی از مهارت و تخصص صنعتگران ایرانی هستند. دستبندهای زنانه و منبت‌کاری، ظرافت، زیبایی‌شناسی و هنر دست ایرانیان را به نمایش می‌گذارد. بادبزن و سبد حصیری، نشان از سازگاری با اقلیم گرم و مرطوب و استفاده بهینه از منابع محلی مانند برگ نخل دارند. ادویه نیز، علاوه بر کاربرد در آشپزی، نمادی از غنای طعم و مزه غذاهای جنوبی است. این تنوع و گستردگی صنایع دستی، نشان از غنای فرهنگی و هنری ایران دارد. در دیپلماسی فرهنگی ایران، صنایع دستی می‌تواند به‌عنوان سفیران فرهنگی عمل کند.

تصاویر ۱۳



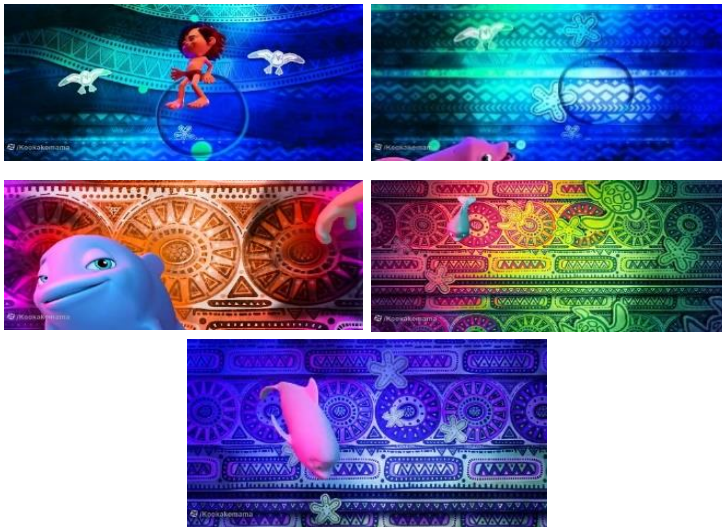
قوری و سماور، استکان کمر باریک و نعلبکی، قهوه و چای به‌عنوان دلالت‌های صریح این تصاویر، به‌طور ضمنی نمادی از مهمان‌نوازی در فرهنگ ایرانی - اسلامی، بازتاب‌دهنده روحیه سخاوت، صمیمیت و ارتباطات اجتماعی عمیق در جامعه ایرانی هستند. در فرهنگ ایرانی، نوشیدن چای یا قهوه به‌همراه پذیرایی با قوری و سماور، نشانه‌ای از احترام و ارادت به مهمان و آمادگی همیشگی برای پذیرایی از آنان است. این آیین از سنت‌های دیرینه ایرانی است که با آموزه‌های اسلامی مبنی بر تکریم و پذیرایی از مهمان پیوند خورده است. این عناصر، تصویری از فرهنگ غنی مهمان‌نوازی در ایران را به نمایش می‌گذارد.

تصاویر ۱۴



لباس‌های رنگارنگ زنان و مردان جنوب ایران و حجاب، به‌عنوان دلالت صریح این تصویر، به طور ضمنی، بر هویت ملی و نوع پوشش زنان ایرانی اشاره دارد. پوشش سنتی به‌عنوان نمادی از احترام به ارزش‌های فرهنگی مطرح است. رنگ‌های شاد و زنده در لباس‌های جنوبی، نشان از شادابی، سرزندگی و روحیه مقاوم مردم این منطقه دارد. طرح‌ها و نقوش به کار رفته در آن‌ها، اغلب الهام‌گرفته از طبیعت، دریا، نقوش هندسی و باورهای محلی هستند که بخشی از میراث فرهنگی این منطقه را تشکیل می‌دهند. همچنین این لباس‌ها، نشان از سازگاری با اقلیم گرم و مرطوب جنوب و استفاده از مواد اولیه بومی مانند پنبه و ابریشم دارند. حجاب نیز در ایران، نه فقط یک پوشش ظاهری بلکه نمادی از حفظ حریم شخصی، احترام به خود و همکاران و پایبندی به ارزش‌های دینی و اخلاقی است. یافته‌های تاریخی نشان می‌دهند که پوشش زنان، حتی پیش از اسلام نیز وجود داشته و با ورود اسلام، با آموزه‌های دینی هماهنگ شده است. چهره آفتاب‌سوخته شخصیت‌ها نیز از دیگر دلالت صریح این تصویر می‌باشد که به طور ضمنی بیانگر نوع اقلیم گرم و خشک، سخت‌کوشی، پختگی، تجربه و صداقت است؛ صفاتی که اعتماد و اطمینان دیگران را برمی‌انگیزد. همچنین در فرهنگ ایرانی-اسلامی، کار و تلاش برای کسب روزی حلال، از ارزش‌های مهم به‌شمار می‌رود و چهره آفتاب‌سوخته می‌تواند به نوعی نشانه پایبندی به این ارزش و تلاش برای تامین زندگی باشد.

تصاویر ۱۵





در سطح دلالت صریح در این تصاویر، رنگ‌های ثبت شده به نام ایران (فیروزه‌ای، لاجوردی، عنابی، قرمز نارنجی و رز ایرانی، نیلی و صورتی ایرانی) و همچنین نقوش متنوع مشاهده می‌شود. این نقش‌ها در سطح دلالت ضمنی به نقوش سنتی ایرانی اشاره دارد هر کدام داستانی از تاریخ و هنر ایرانی را روایت می‌کنند. رنگ‌ها نیز با هنر و معماری ایرانی پیوند خورده‌اند. فیروزه‌ای، یادآور گنبد‌های فیروزه‌ای مساجد و کاشی‌کاری‌های نفیس، نمادی از معنویت، آسمان و بی‌کرانگی است. لاجوردی، رنگی عمیق و روحانی، در کاشی‌کاری‌ها و تزئینات معماری اسلامی به کار می‌رود و نمادی از آرامش است. عنابی، قرمز و نارنجی ایرانی، رنگ‌هایی گرم و پرنرژی هستند که در فرش، گلیم و سفالگری دیده می‌شوند و نمادی از زندگی و پویایی هستند. رز و صورتی ایرانی، نمادی از زیبایی، ظرافت و زنانگی هستند. نیلی نیز، به‌عنوان رنگی عرفانی و عمیق، نمادی از معنویت و عمق اندیشه است. نقوش‌های سنتی هم در معماری ایرانی-اسلامی کاربرد بسیاری دارد و جزو میراث فرهنگی ایرانیان، به شمار می‌رود و ترکیبی از طرح‌های هندسی، گیاهی، حیوانی و اسلیمی هستند. ترکیب رنگ‌ها همراه با نقوش سنتی، نمایانگر تنوع، غنا و زیبایی هنر و فرهنگ ایرانی-اسلامی است که می‌تواند ضمن ایجاد تصویری متمایز و جذاب از ایران و ایجاد ارتباط بصری قوی با مخاطبان خارجی، برند فرهنگی ایران را تقویت کند.

تصویر ۱۶



مسابقه بین دو خروس، با دلالت صریح خود بر یک رقابت حیوانی، دلالت‌های ضمنی پیچیده‌ای در فرهنگ ایرانی به ویژه در گذشته داشته است. خروس جنگی به‌عنوان یک پدیده، فراتر از یک مسابقه بین دو حیوان، نمادی از قدرت و گاهی اوقات قمار و شرط‌بندی بوده است. در برخی مناطق، این مسابقات جنبه تفریحی و سرگرمی داشته و در برخی دیگر، با آداب و رسوم خاصی همراه است. این پرنده با خشونتی که در مسابقات به نمایش می‌گذارد، جلوه‌ای از شجاعت، جسارت و روحیه رقابتی را تداعی می‌کند.

تصویر ۱۷



بازار در سطح دلالت صریح، به بازار محلی جنوب ایران اشاره دارد که نه فقط مکانی برای خرید و فروش کالا، بلکه نمادی از اقتصاد محلی، روابط اجتماعی و تبادل فرهنگی است. موقعیت جغرافیایی بازار، اهمیت آن را دو چندان می‌کند. برای مثال، بازارهایی که در بندرهای جنوبی واقع شده‌اند، با توجه به موقعیت جغرافیایی این مناطق، محل داد و ستد کالاهای دریایی و ارتباط با تجار خارجی بوده‌اند. آن‌ها قلب تپنده اقتصاد جوامع محلی هستند و نقش مهمی در تأمین معیشت مردم، توزیع عادلانه کالاها و حفظ مشاغل سنتی ایفا می‌کنند. در دیپلماسی فرهنگی ایران، بازار محلی می‌تواند به‌عنوان نمادی از اقتصاد مقاومتی، پویایی اقتصادی و فرهنگی ایران در عرصه جهانی معرفی شود؛ به ویژه در زمینه صنایع دستی و محصولات کشاورزی که ایران در آن‌ها دارای شهرت است.

تصویر ۱۸



حنا روی دست زنان، با دلالت صریح بر یک زینت و آرایش، دلالت ضمنی بر سنت‌های زیبایی‌شناسی و فرهنگی خاص زنان این منطقه دارد. حنا نمادی از شادی، جشن و سنت‌های محلی است. در بسیاری از مراسم‌های عروسی، حنا به‌عنوان نمادی از خوشبختی، برکت و آغاز زندگی جدید استفاده می‌شود که نمادی از هویت فرهنگی و زیبایی‌شناسی زنان در بسیاری از جوامع شرقی می‌باشد. این سنت دیرینه با طرح‌های پیچیده و ظریف خود، نه تنها زینت‌بخش



دستان زنان است، بلکه ریشه در باورها و رسوم این جوامع دارد. همچنین کشت حنا در جنوب ایران، نشان از ارتباط تنگاتنگ مردم این منطقه با کشاورزی و استفاده از منابع طبیعی دارد. معرفی حنا به‌عنوان یک محصول طبیعی و با ارزش اقتصادی و صادراتی، می‌تواند به تقویت اقتصاد محلی و توسعه صادرات غیرنفتی کمک کند.

تصویر ۱۹



سوزن‌دوزی روی پارچه توسط یک زن، با دلالت صریح خود بر یک فعالیت هنری، دلالتی ضمنی از مهارت‌های زنانه و ظرافت است. در ایران هنر و صنایع دستی همواره مورد توجه بوده و زنان نقش مهمی در حفظ و توسعه آن دارند. سوزن‌دوزی می‌تواند به‌عنوان یک منبع درآمد برای زنان و خانواده‌هایشان باشد و اقتصاد محلی را تقویت کند. از منظر دیپلماسی فرهنگی، نمایش این آثار می‌تواند تصویری واقعی و جذاب از هنر زنان ایرانی، تنوع فرهنگی و غنای صنایع دستی ایران ارائه دهد.

تصاویر ۲۰



کل کشیدن به‌عنوان یک دلالت صریح بر یک آوای خاص، به طور ضمنی نماد شادی و هیجان است. کل کشیدن یا هل‌هل، در میان ایرانیان اعراب و هندوها رواج دارد. هرچند از خاستگاه این آیین اطلاعات زیادی در دست نیست، اما آن را سنتی باستانی و منتسب به خدایان می‌دانند. امروزه در میان زنان ایرانی، کل کشیدن اغلب در مراسم عروسی و سایر مناسبت‌های شاد به گوش می‌رسد. رقص محلی نیز، دلالت ضمنی بر غنای فرهنگی، هویت محلی و

شادی‌های جمعی این منطقه دارد. این رقص‌ها اغلب با لباس‌های رنگارنگ و موسیقی محلی اجرا می‌شوند و نمادی از پیوستگی نسل‌ها و انتقال ارزش‌ها از گذشتگان به آیندگان هستند. رقص‌های محلی به‌عنوان یکی از اشکال هنری ارزشمند شناخته می‌شوند که در چارچوب‌های سنتی و فرهنگی خاصی اجرا می‌گردند و بازتابی از روحیه مثبت و سرزندگی مردم منطقه هستند. نمایش این هنرها و تمرکز بر لباس‌های محلی، موسیقی و داستان‌ها و باورهای مرتبط با آن، می‌تواند به معرفی جامع‌تر این جنبه از فرهنگ ایرانی کمک کند.

تصویر ۲۱



روشن کردن شمع برای سلامتی مادر، با دلالت صریح بر یک عمل نمادین، به طور ضمنی با مفهوم امیدواری پیوند خورده است. این عمل، نمادی از امید به شفای الهی، توسل به دعا و نیایش و ابراز عشق و محبت به مادر است. در فرهنگ ایرانی - اسلامی، مادر جایگاه بسیار مقدسی دارد و روشن کردن شمع می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برای دعا و امید به بهبودی تفسیر شود. همچنین نور شمع می‌تواند نمادی از نور امید در سختی‌ها باشد. این عمل، ریشه در باورهای دینی و فرهنگی مردم ایران دارد. از منظر دیپلماسی فرهنگی، روشن کردن شمع برای سلامتی مادر می‌تواند به‌عنوان نمادی از ارزش‌های خانوادگی، محبت، امید و توسل به معنویت به جهانیان معرفی شود و نشان دهد که خانواده و دعا چه جایگاهی در فرهنگ ایرانی دارد.

تصویر ۲۲





در این تصویر ماهی‌ها سر خود را به نشانه احترام خم کرده‌اند. این به طور ضمنی به احترام به بزرگتر اشاره دارد. در فرهنگ ایرانی-اسلامی احترام به بزرگترها از ارزش‌های بنیادین به شمار می‌رود. این احترام نشان از ارج نهادن به تجربه، دانش و جایگاه آنان در جامعه است. در آموزه‌های اسلامی، بر تکریم بزرگان و رعایت ادب و تواضع در برابر آنان تأکید فراوان شده است. از منظر دیپلماسی فرهنگی، استفاده از این استعاره می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای معرفی ارزش والای احترام به بزرگتر به جهانیان مورد استفاده قرار گیرد.

تصویر ۲۳



ماهی قرمز دلالت صریح این تصویر است که به طور ضمنی به ماهی قرمز سفره هفت سین اشاره دارد که نمادی از زندگی و شادی است. اگرچه برخی منابع، ورود ماهی قرمز به سفره هفت‌سین را متأثر از فرهنگ چینی می‌دانند، اما این عنصر به سرعت در فرهنگ نوروزی ایرانیان جای گرفته است. رنگ قرمز ماهی نیز، که در بسیاری از سنت‌های نوروزی دیده می‌شود (مانند روبان قرمز دور سبزه یا لباس قرمز حاجی فیروز)، نمادی از شادی، سرزندگی و پیروزی است. از منظر دیپلماسی فرهنگی، ماهی قرمز سفره هفت‌سین می‌تواند به‌عنوان نمادی از جشن نوروز، فرهنگ ایرانی و ارزش‌های مرتبط با آن مانند شادی، امید و زندگی به جهانیان معرفی شود.

تصاویر ۲۴



فانوس دریایی و اسکله به‌عنوان دلالت صریح، دلالت ضمنی بر نقش راهبردی و دریانوردی ایران در تاریخ دارد. ایران با داشتن دسترسی به خلیج فارس و دریای عمان، همواره در مسیرهای تجاری و دریانوردی مهمی قرار داشته است. فانوس‌های دریایی که برای هدایت کشتی‌ها به‌خصوص در بنادر تاریخی ایران مورد استفاده قرار می‌گرفتند، نشان‌دهنده اهمیت تجارت، امنیت دریایی و نقش ایران به‌عنوان پلی میان شرق و غرب در مسیرهای تجاری بوده‌اند. اسکله نیز، نه فقط مکانی برای بارگیری و تخلیه کالا و مسافر، بلکه نمادی از ارتباط با دنیای بیرون و تبادل فرهنگی است. این سازه‌ها نمادی از توانایی ایران در ایجاد زیرساخت‌های راهبردی و حمایت از تجارت و دریانوردی ایمن در منطقه محسوب می‌شدند. از منظر دیپلماسی فرهنگی، این نماد، با توجه به پیشینه دریانوردی و تجارت ایران، بازتاب‌دهنده توانمندی‌های ایران در برقراری ارتباطات بین‌المللی است.

تصویر ۲۵

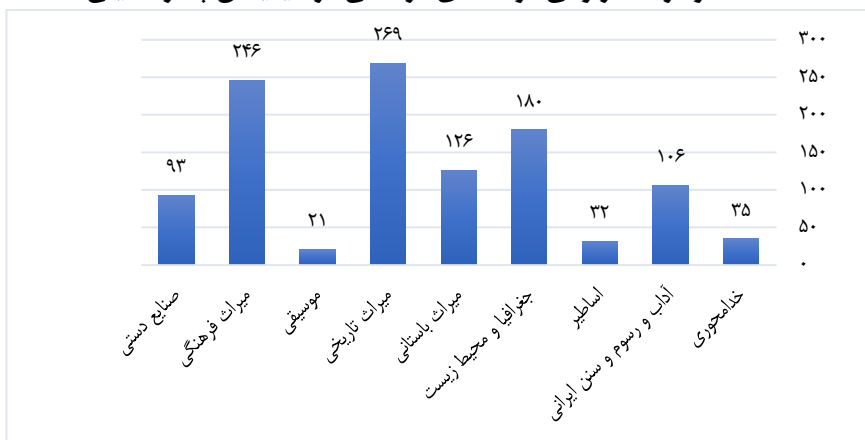


در سطح دلالت صریح این تصویر، شاهد نفت هستیم که به طور ضمنی دلالت‌های ضمنی پیچیده‌ای در فرهنگ و تاریخ معاصر ایران دارد. نفت نه فقط یک منبع اقتصادی، بلکه نمادی از ثروت ملی، استقلال سیاسی و توسعه صنعتی است. در تاریخ معاصر ایران، نفت نقش محوری در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته است. ملی شدن صنعت نفت در دهه ۱۳۳۰، نمادی از مبارزه برای استقلال و حاکمیت ملی بر منابع طبیعی بود. درآمدهای نفتی، امکان توسعه زیرساخت‌ها و اجرای پروژه‌های بزرگ را فراهم کرد، اما در عین حال وابستگی اقتصاد ایران به نفت، چالش‌هایی مانند نوسانات اقتصادی را نیز به همراه داشته است. از منظر دیپلماسی فرهنگی، نفت به خودی خود نمی‌تواند به‌عنوان یک عنصر مستقیم فرهنگی مطرح شود، زیرا یک مفهوم اقتصادی و سیاسی است. با این حال، می‌توان از جنبه‌های دیگر، مانند ملی شدن صنعت نفت و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران در دیپلماسی فرهنگی استفاده کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت دیپلماسی فرهنگی در دنیای امروز، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. با افزایش تعاملات بین‌المللی و رقابت کشورها در عرصه جهانی، استفاده از ابزارهایی نظیر انیمیشن، به‌عنوان یک زبان جهانی برای انتقال پیام‌های فرهنگی و تقویت روابط دوستانه میان ملل مختلف، بسیار ضروری است. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به کاهش تنش‌ها، افزایش تفاهم‌های فرهنگی و تقویت تصویر مثبت کشور در میان جامعه بین‌المللی کمک کند. این امر به‌ویژه برای کشورهایی با تاریخ و فرهنگ غنی، نظیر ایران، از اهمیت دوچندان برخوردار است. رسانه به‌عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارهای فرهنگی، می‌تواند در تقویت و ترویج فرهنگ ملی و ایجاد تعاملات بین‌المللی نقش بسزایی ایفا کند. انیمیشن با قابلیت‌های بصری و داستان‌سرایی خود، بستری مناسب برای انتقال مفاهیم عمیق فرهنگی و تاریخی به شیوه‌ای جذاب و قابل فهم برای مخاطبان گوناگون فراهم می‌آورد. در همین راستا، ۱۱۰۸ مؤلفه فرهنگی در صحنه‌های انیمیشن پسر دلفینی شناسایی و بررسی شد.

نمودار ۱. فراوانی مؤلفه‌های فرهنگی در انیمیشن پسر دلفینی



نخستین نکته‌ای که در تحلیل انیمیشن پسر دلفینی به چشم می‌خورد، تأکید بر میراث تاریخی به میزان ۲۴ درصد و میراث فرهنگی با عدد ۲۲ درصد است. این موضوع نشان می‌دهد که تولیدکنندگان به دنبال برجسته‌سازی هویت ملی به واسطه میراث تاریخی هستند. انیمیشن‌ها با بازنمایی شخصیت‌های تاریخی و رویدادهای مهم، نه تنها به تقویت حس وطن‌پرستی در میان

مخاطبان داخلی کمک می‌کنند، بلکه به‌عنوان پلی برای آشنایی مخاطبان خارجی با تاریخ ایران عمل می‌نمایند. علاوه بر این، ۱۶ درصد مؤلفه‌های موجود در انیمیشن، به عناصر جغرافیایی و محیط‌زیستی اختصاص یافته است که نقش مهمی در افزایش آگاهی عمومی درباره طبیعت و محیط‌زیست ایران دارد. با توجه به تنوع اقلیمی و جغرافیایی ایران، نمایش این ویژگی‌ها در انیمیشن‌ها می‌تواند به جذب گردشگران خارجی و ارتقای صنعت گردشگری کشور کمک کند. انیمیشن‌هایی که به موضوعات زیست‌محیطی می‌پردازند، می‌توانند نقش آموزشی و آگاهی‌بخشی نیز داشته باشند و مخاطبان را نسبت به اهمیت حفاظت از محیط زیست تشویق کنند. یکی دیگر از مؤلفه‌ها، پرداختن به میراث باستانی به میزان ۱۱ درصد است که فرهنگ و تاریخ ایران را به شکلی جذاب و قابل فهم به مخاطبان جهانی معرفی می‌کند و تصویری مثبت از کشور به نمایش می‌گذارد. پرداختن به این موارد، می‌تواند به تقویت هویت ملی و فرهنگی ایرانیان کمک کرده و فرصتی برای همکاری و شناخت متقابل میان کشورها فراهم آورد. آداب و رسوم و سنن ایرانی به میزان ۱۰ درصد و صنایع دستی به میزان ۸ درصد در این انیمیشن دیده می‌شود. آداب و رسوم که ریشه در تاریخ و هویت ملی دارند، به غنای داستان‌های انیمیشن‌ها افزوده و روایت‌هایی جذاب خلق می‌کند. همچنین نمایش صنایع دستی در انیمیشن، می‌تواند به معرفی هنرهای سنتی ایران به جهان کمک کند. موضوع دیگر اینکه، ۳ درصد کل مؤلفه‌های انیمیشن، به اساطیر ایرانی و ۲ درصد آن، به موسیقی ایرانی اشاره دارد. اساطیر و افسانه‌های ایرانی با شخصیت‌ها و روایت‌های منحصر به فرد خود، می‌توانند مخاطبان را به خود جذب کرده و به ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی بپردازند. بازنمایی این داستان‌ها در قالب انیمیشن، فرصتی برای بازآفرینی و احیای فرهنگ اسطوره‌ای ایران را در ذهن نسل جوان فراهم می‌کند. همچنین، استفاده از موسیقی سنتی و محلی در انیمیشن‌ها، به ایجاد هویت شنیداری منحصر به فرد و تقویت حس بومی بودن آثار کمک می‌کند. این عناصر فرهنگی می‌توانند به جذابیت و اصالت بیشتر انیمیشن‌ها افزوده و آن‌ها را در بازارهای جهانی متمایز کند. شایان ذکر است که مؤلفه‌هایی چون زبان فارسی، لهجه‌های محلی، خدامحوری، اسلام و شیعه در این انیمیشن مشاهده می‌شوند؛ اما با توجه به اینکه روش تحقیق حاضر بر مبنای نشانه‌شناسی تصویری است، این موارد در چارچوب مقاله گنجانده نشده‌اند.

نتایج این تحقیق در چارچوب نظریه قدرت نرم جوزف نای به روشنی نشان می‌دهد که انیمیشن پسر دلفینی با بازنمایی مؤلفه‌های متنوعی از فرهنگ ایرانی، از میراث تاریخی و



اسطوره‌ای گرفته تا آداب و رسوم، محیط‌زیست و موسیقی بومی، قابلیت ایفای نقش جدی در دیپلماسی فرهنگی ایران را دارد. در نظریه قدرت نرم، تأکید بر نفوذ فرهنگی از طریق جذابیت، روایت، و ایجاد تصویر مثبت است و این انیمیشن دقیقاً در همین مسیر عمل می‌کند. دیپلماسی فرهنگی به معنای استفاده از ابزارهای فرهنگی برای ترویج تصویر مثبت و درک متقابل میان ملت‌ها است. فرهنگ نیز بر سیاست‌های جهانی و تعاملات کشورها تأثیرگذار است. وقتی مخاطب خارجی با انیمیشن‌هایی مواجه می‌شود که به مؤلفه‌های فرهنگی ایران می‌پردازند، نه تنها اطلاعات جدیدی در خصوص ایران به دست می‌آورد، بلکه تصویر مثبت و جذابی از این کشور در ذهن او شکل می‌گیرد. این موضوع می‌تواند در کاهش سوءتفاهم‌ها و تقویت روابط فرهنگی میان کشورها مفید واقع شود. نتایج تحقیق نیز، این امر را تأیید می‌کنند که این انیمیشن، به‌عنوان یک ابزار فرهنگی، ضمن برجسته‌سازی عناصر مختلف فرهنگ ایران، به‌طور مستقیم در خدمت دیپلماسی فرهنگی قرار می‌گیرد. همچنین به خوبی از ظرفیت‌های بصری و داستانی بهره می‌برد تا پیام‌های عمیق فرهنگی را به زبان جهانی و قابل فهم برای مخاطبان گوناگون منتقل کند. تولید چنین محصولاتی، اساساً اولین گام ورود به مسیر دیپلماسی فرهنگی به شمار می‌رود. بدون داشتن محتوای فرهنگی غنی و رسانه‌ای جذاب، زمینه‌ای برای سیاست‌گذاری در حوزه دیپلماسی فرهنگی فراهم نمی‌شود. بنابراین، اگر بخواهیم در این عرصه موفق باشیم و تصویر مطلوبی از ایران در جهان ارائه دهیم، پیش‌نیاز آن، تولید آثار فرهنگی مانند انیمیشن‌هایی است که بتوانند مفاهیم هویتی را در قالبی قابل فهم، هنرمندانه و بین‌المللی منتقل کنند. تنها پس از ایجاد این زیرساخت‌های محتوایی است که می‌توان از ابزار دیپلماسی فرهنگی بهره‌برداری مؤثر کرد. در مجموع، این انیمیشن به‌عنوان ابزار قدرت نرم، به‌ویژه از طریق انتقال پیام‌های فرهنگی به صورت جذاب و بصری، می‌تواند به‌عنوان ابزاری کلیدی در سیاست‌های دیپلماسی فرهنگی ایران عمل کند. این امر به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که ایران بخواهد از ظرفیت‌های فرهنگی خود برای تقویت روابط بین‌المللی و ایجاد تفاهم فرهنگی با کشورهای دیگر بهره‌برداری کند.

تقدیر و تشکر

این مقاله حاصل یک پژوهش مستقل است که توسط نویسندگان انجام شده و تحت حمایت هیچ سازمانی قرار ندارد.



تعارض منابع

نویسندگان مقاله اعلام می‌کنند هیچ تضاد منافی در مورد انتشار مقاله وجود ندارد و برای حاضر موارد اخلاقی از جمله: مالکیت معنوی، رضایت مجریان طرح، امانتداری و استفاده از هوش- مصنوعی در نگارش مقاله، سرقت ادبی، رفتار نادرست، جعل داده‌ها، انتشار هم‌زمان و یا هرگونه تخلف دیگر، به‌طور کامل توسط نویسندگان رعایت شده است.

فهرست منابع

- اکبری، ع. (۱۴۰۲). *استفاده از ظرفیت مشاهیر تاریخی در راستای دیپلماسی عمومی*.
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2022243>
- اکبری گلزار، م. و زائری، ق. (۱۳۹۹). بازنمایی تصویر زن در فیلم شبی که ماه کامل شد. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۱۲(۳)، ۳۴۹-۳۶۷.
https://jwica.ut.ac.ir/article_80804.html
- اومبرتو، ا. (۱۳۸۹). *نشانه‌شناسی*. ترجمه پیروز ایزدی. تهران: ثالث.
- ایراندوست، م. (۱۴۰۰). *عناصر جذابیت در سینمای انیمیشن*. تهران: سوره مهر.
- ایزدی، ف. و شمشیری، ا. (۱۳۹۸). *دیپلماسی عمومی برای کودکان: مطالعه موردی پویانمایی‌های والت دیزنی*. *فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری*، ۱۳(۲۹)، ۱۳۳-۱۵۸.
<https://doi.org/10.22085/javm.2019.88651>
- بارت، ر. (۱۳۷۰). *عناصر نشانه‌شناسی*. ترجمه مجید محمدی. تهران: المهدی.
- بشیر، ح. و جواهری، ج. (۱۳۹۶). تحلیل انیمیشن‌های هالیوودی با رویکرد تربیتی. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۱(۱)، ۱۱۰-۱۳۷).
<https://civilica.com/doc/630348>
- بوردول، د. و تامسون، ک. (۱۳۸۹). *هنر سینما*. ترجمه فتاح محمدی. تهران: مرکز سینمایی فارابی.
- بیات، م. (۱۳۸۵). *دیپلماسی دیجیتال*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- جوادی ارجمند، م. (۱۳۹۲). تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۰(۳۴)، ۱۶۳-۱۸۰.
<http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1121-1-fa.html>
- چندلر، د. (۱۳۸۷). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه مهدی پارسا. تهران: سوره مهر.
- خانی، م. (۱۳۸۴). *دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها*. *دانش سیاسی*، ۱(۲)، ۱۳۵-۱۴۸.
<https://doi:10.30497/pk.2005.74>
- حمیدی، ج. (۱۳۸۵). *قدرت نرم؛ ابزار موفقیت در جهان سیاست*. همشهری آنلاین. دریافت شده از
<https://www.hamshahronline.ir/news/6748>



خرازی محموندی آذر، ز. (۱۳۸۸). تاثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها. مدیریت فرهنگی، ۳(۶)، ۱۰۷-۱۲۲.

خسروی، محمدعلی، و عباسعلی جباریثانی (۱۳۹۰). عملکرد دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات سیاسی، ۱۱، ۸۲-۱۱۶.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1081286/>

دارابی، ع. (۱۳۹۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی ارتباطات، فرهنگ و رسانه. تهران: جهاد دانشگاهی.

دانیسی، م. (۱۳۸۶). نشانه‌شناسی رسانه‌ها. ترجمه گودرز میرانی و بهزاد دوران. تهران: چاپار.

دیبری، م. (۱۳۷۴). دیپلماسی کاربردی و رویه‌های دیپلماتیک. تهران: وزارت امور خارجه.

دیباچی، س م، و رییس میرزایی، ز. (۱۳۹۰). پرداختن به فلسفه رسانه. مطالعات بین رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، رسانه و فرهنگ، ۱(۲)، ۴۹-۶۵.

<https://sid.ir/paper/222424/fa>

رجبی، م، و عساری، ا. (۱۴۰۰). منابع، اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

مطالعات قدرت نرم، ۲۵، ۱۰۵-۱۲۴.

<https://www.magiran.com/p2336018>

رحیمی، ع، عزیزآبادی فراهانی، ف، و عزیزی، م. (۱۴۰۰). بررسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جشنواره‌های بین‌المللی فیلم. دین و ارتباطات (نامه صادق)، ۲۸(۲)، ۵۰۳-۵۳۳.

<https://doi:10.30497/rc.2022.76098>

زادقناد، س. (۱۴۰۱). گشایش گره‌های ارتباطی از رهگذر هنر صنعت انیمیشن. وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی. دریافت شده از <https://ketab.farhang.gov.ir/fa/newsagency/15464>

سجوی، ف. (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: علم.

شاه‌محمدی، ع، و قراتتی، ع. (۱۳۹۱). تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای بر تبادل فرهنگی کشورها. مطالعات

رسانه‌ای، ۱۹، ۹۸-۱۱۳.

شفیعی، ن، قنبری، ف، و کیانی، آ. (۱۳۹۵). فرهنگ و نقش آن در دیپلماسی عمومی. مطالعات

میان‌فرهنگی، ۱۱(۲۹)، ۱۷۵-۱۷۵.

شهرام‌نیا، ا.م، و نظیفی‌نایینی، ن. (۱۳۹۲). تأثیر جهانی‌شدن بر دیپلماسی فرهنگی. راهبرد فرهنگ،

۶(۲۴)، ۱۴۱-۱۶۱.

شهرسواری فرد، ش. (۱۳۹۶). ادبیات و زبان در دیپلماسی فرهنگی؛ از ضرورت تا واقعیت، پژوهش ملل،

۲۵، ۲۹-۴۳.

صالحی‌امیری، س. (۱۳۸۷). مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: مرکز تحقیقات

استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

صفوراء، م، و افشار مهاجر، ک، و حسینی‌شکیب، ف. (۱۳۹۳). بررسی ساختاری انیمیشن تلویزیونی و ارائه

الگوی تحلیل متن. هنرهای زیبا هنرهای نمایشی و موسیقی، ۱۹(۱)، ۷۱-۸۲.

<https://doi.org/10.22059/jfadram.2014.50017>

صفورا، م.ع، و عرب، ز. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل بازار تولید هنر-صنعت انیمیشن در ایران و موانع توسعه آن. *هنرهای کاربردی*، ۷، ۲۹-۳۷.

<https://doi.org/10.22075/ajj.2016.2596>

فرح نژاد، م.ح. (۱۴۰۱). *دین انیمیشن سبک زندگی*، تهران: جمکران.
فولادی، م. (۱۳۸۶). فرهنگ و مهندسی فرهنگی. فرهنگ و علم، (۱)، ۱۸۳-۲۱۹.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/430553>

کوثری، م، و عزیزی، ف، و عزیزی، ح. (۱۳۹۳). بازنمایی زنان در تبلیغات تلویزیون پودر لباسشویی پرسپیل. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷(۲۸)، ۱۸۹-۲۱۲.

<https://civilica.com/doc/541800>

گیویان، ع، و سروی زرگر، م. (۱۳۸۸). بازنمایی ایران در سینمای هالیوود. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۲(۸)، ۱۴۷-۱۷۷.

<https://doi.org/10.7508/ijcr.2009.08.005>

محمدی فومنی، ح. (۱۳۹۲). *نقش رایزنان فرهنگی در دیپلماسی عمومی*، دریافت شده از

<https://www.tabnak.ir/fa/news/360424C>

محمدیان، ع، و رضایی، ع. (۱۳۹۵). تحول مفهوم دیپلماسی در روابط بین الملل، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل*، ۱۲(۲)، ۱۰۵-۱۲۷.

<https://doi.org/10.22067/jjpr.v5i1.50797>

مختاری، غ. (۱۴۰۰). *نمودهای میراث فرهنگی ناملموس در اثر مهارت‌های سنتی لنج‌رانی و لنج‌سازی در خلیج فارس*. *نامه انسان‌شناسی*، ۱۷(۳۰)، ۲۷۳-۲۸۶.

<https://www.magiran.com/p2324181>

مصطفوی، ح، و قدمی، م. (۱۳۸۸). اهمیت فعالیت‌های فرهنگی در روابط بین الملل و ارائه مدل عملیاتی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *مجله مدیریت فرهنگی*، ۳(۵)، پاییز، ۶۱-۹۱.

<https://sanad.iau.ir/Journal/jcm/Article/818358/FullText>

ملکی، ع. (۱۳۸۶). *سند چشم‌انداز و سیاست خارجی توسعه‌گرا*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

موسوی، سعیده. و حسنایی، م.ح. (۱۳۹۷). *بنیان‌های سیاست‌گذاری رسانه‌ای در انیمیشن*. *نامه هنرهای*

<https://sid.ir/paper/261121/fa>

نمایشی و موسیقی، ۹(۱۷)، ۷۹-۹۸.

مهدیان، ح. (۱۳۹۸). بررسی انتقادی مؤلفه‌های محتوایی جذابیت در انیمیشن‌ها از منظر فلسفه اسلامی. *دو فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم*، ۲۰، ۱۷۷-۲۰۵.

<https://www.magiran.com/p2214635>

وکیلی، ش. (۱۳۹۵). *اسطوره‌شناسی ایزدان ایرانی*. تهران: شورآفرین.

Ajjith, A., & Sreena, K. (2023). Representation of cultural diplomacy in the Bridgerton series. *ShodhKosh: Journal of Visual and Performing Arts* 4(1SE), 311-316. <https://doi.org/10.29121/shodhkosh.v4.i1SE.2023.508>

- Bardakçı, H. (2024). The Use of Nazım Hikmet's Works as a Tool of Cultural Diplomacy with Soviet Cartoons: Analysing in terms of Cultural Exchange. *Folklor Akademi Dergisi*, 7(1), 496-504. <https://doi.org/10.55666/folklor.1415052>
- Copeland, D. (2009). *Guerrilla diplomacy: Rethinking international relations*. Lynne Rienner Publishers. <https://doi.org/10.1515/9781685856793>.
- Cull, N. J. (2009). Public diplomacy: Lessons from the past. In N. J. Cull (Ed.), *CPD perspectives on public diplomacy* (pp. 1-61). Figueroa Press <https://doi.org/10.1057/pb.2010.4>
- Grincheva, N. (2019). The form and content of 'digital spatiality': Mapping the soft power of DreamWorks Animation in Asia. *Asiascape: Digital Asia*, 6(1-2), 58–83. <https://www.doi.org/10.1163/22142312-12340102>
- He, Z. (2024). Research on the enlightenment of Japanese animation culture communication strategy to the development of Chinese animation industry from the perspective of international communication. *Proceedings of the 2024 10th International Conference on Humanities and Social Science Research (ICHSSR 2024)*, 894–903. https://www.doi.org/10.2991/978-2-38476-277-4_98
- Kinometro.ru. (2022). *МАЛЪЧИК-ДЕЛЪФИИ* (Film profile). *Film Release Bulletin*. Retrieved February 15, 2026, from <https://www.kinometro.ru/release/card/id/45318>
- Leonard, M., & Steed, C. (2002). *Public diplomacy*. Foreign Policy Centre..
- Medin, B., & Koyuncu, S. (2017). Cinema as a soft power instrument: Hollywood cinema case. *International Journal of Social Sciences and Education Research*, 3(3), 836-844. <https://doi.org/10.24289/ijsser.307385>
- Nye, J. S. (2003). *The paradox of American power: Why the world's only superpower can't go it alone*. Oxford University Press.
- Rahayu, F. D. (2021, October). The success of anime and manga as a means of Japanese culture diplomacy. Muhammadiyah University of Yogyakarta. <https://www.researchgate.net/publication/355445937>
- The Numbers. (2026). *All Time International Animated Box Office (Rank 901-1,000)*. Nash Information Services. Retrieved February 16, 2026, from <https://www.the-numbers.com/box-office-records/international/all-movies/cumulative/all-time-animated/901>.
- Wells, P. (1998). *Understanding animation* (1st ed.). Routledge